

نقش سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در تحکیم صلح

دکتر ابراهیم بیگ‌زاده*

هنگامه غضنفری**

چکیده

سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی نماد جامعه‌ی مدنی جهانی، تجلی مشارکت نهادین شهروندان در تصمیمات مرتبط با روح کلی حاکم بر جامعه‌ی بین‌المللی و اتخاذ تصمیمات جمعی و دلیلی بر دموکراتیک‌سازی نظم بین‌المللی هستند. اگر چه این سازمان‌ها توانایی و ابزارهای مشابه دولت‌ها ندارند، اما در نتیجه‌ی ضرورت همبستگی جهانی برای مشارکت در تحقق مطالباتی چون صلح، توسعه، حقوق بشر و بشردوستانه، و محیط زیست، و بر مبنای همکاری آگاهانه و سازمان‌یافته تک تک افراد، شکل گرفته‌اند. این سازمان‌ها حول هسته‌ی اصلی ارزش‌ها یعنی «بشریت» و برای تامین امنیت انسانی، در حال فعالیت هستند و البته شمار زیادی از آن‌ها به طور روزافزونی در فرآیند صلح ایفای نقش می‌کنند.

در این نوشتار با بررسی قلمرو فعالیت سازمان‌های غیردولتی در مراحل گوناگون فرآیند صلح، سهم آن‌ها را در تحکیم صلح به عنوان کارکرد جدید نظام بین‌المللی تدقیق می‌نماییم. در این راستا راه‌هایی برای نتیجه‌بخشی و پایداری فعالیت‌ها و بهره‌برداری مناسب جامعه‌ی بین‌المللی از توانایی‌ها و تخصص آنان ارائه می‌گردد.

کلید واژگان

جامعه‌ی مدنی، سازمان غیردولتی، فرآیند صلح، تحکیم صلح.

* دانشیار دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل.

مقدمه

ایجاد نظم حقوقی یکی از ضروریات حاکم بر جامعه‌ی بین‌المللی است که نه فقط در صورت ظاهر یعنی نبود بی‌نظمی^۱ و یا هرج و مرج، بلکه به عنوان سازوکاری برای برقراری و تامین صلح و امنیت و نیز اداره‌ی امور و حکمرانی است. از این منظر "صلح"، وضعیتی است که رفاه، سعادت و خیر مشترک را ارزانی همه می‌دارد و صرفاً در فقدان جنگ به منصفی ظهور می‌رسد و نزاع، خشونت، آشوب و ترس، نابودکننده‌ی آن است.^۲

جامعه‌ی بین‌المللی در مرحله‌ای جدید از حیات تاریخی خود، بر مبنای همبستگی بین‌المللی فزاینده‌ی ملت‌ها، فراتر از اراده‌ی صرف دولت‌ها و با نقش‌آفرینی نهادهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی گسترش و تعمیق می‌یابد. بر این اساس نظم حقوقی حاکم بر جامعه‌ی بین‌الملل، ناگزیر از پذیرش و انطباق با تحولات و دگرگونی‌های مزبور است و با تکیه بر ویژگی پویای خود، جامعه‌ی بین‌المللی را به مقصدی رهنمون خواهد شد که حاکمیت دولت‌ها، جز در چارچوب حقوق و نظم حقوقی آن معنا نخواهد یافت.^۳

نظم حقوقی جدید بین‌المللی در حال شکل‌گیری، محصول فرآیندی است که روابط بین‌الملل را نه تنها در روابط بین ملت‌ها و دولت‌های برخوردار از حاکمیت، بلکه فراتر از آن در روابط درون‌دولتی، در رابطه بین دولت و مردم و فرادستان و فرودستان، جست‌وجو می‌کند. این نظم جدید در جست‌وجوی دولت پاسخ‌گویی است که از رهگذر تلاش‌های نظارتی نهادهای غیردولتی، مکلف به رعایت بایدها و نبایدهایی تلقی می‌شود؛ چرا که دولت‌ها در غیر این صورت فراتر از مرزهای جغرافیایی به شکل حقوقی و سیاسی مجبور به واکنش خواهد گردید.^۴

صلح در نظام حقوق بین‌الملل سنتی مساوی با عدم برخورد نظامی بود (صلح منفی)؛ در این معنی صلح چیزی جز «عدم جنگ» نبود. بر اساس این برداشت، هر گاه کشوری مورد تهدید، توسل به زور یا اعمال خشونت و تجاوز قرار نگیرد، صلح تحقق یافته است. تمام تلاش دولت‌ها در قالب حقوق و مقررات بین‌المللی این است که از بروز چنین وضعیتی جلوگیری کنند یا اگر چنین وضعیتی پیش آمد به خاموش کردن شعله‌های آتش جنگ و اعاده‌ی صلح از طریق آتش‌بس مبادرت ورزند.

نگاه حقوق بین‌الملل معاصر، نگاهی ریشه‌ای و بنیان‌نگر می‌باشد. در این دیدگاه باور بر این است که مبارزه با جنگ، مبارزه با نتیجه است و مبارزه با نتیجه مبارزه‌ی موثری نخواهد بود. مقابله با جنگ در صورتی کارساز خواهد بود و صلح واقعی را به ارمغان خواهد آورد که ناظر به علت و زمینه‌های بروز خشونت باشد. در این دیدگاه تحقق صلح در گرو مبارزه با فقر، گرسنگی، تبعیض، نقض فاحش حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بشری و سایر انواع خشونت ساختاری و فرهنگی است و این همان صلح در مفهوم مثبت است.

«حق بشر بر صلح، زیربنای تحقق تمام حق‌های بشری دیگر است. تعالی جای گاه و منزلت انسانی و کرامت و بالندگی

1. Inorder.

2. Przentacznik Frank, "The Basic Principles of Philosophical and legal Concept of Peace as a Cardinal Human Right", The International Review, No. 1, (January/ April, 1997, p.5.

۳. کاسسه، آنتونیو، حقوق بین‌الملل، ترجمه‌ی حسین شریفی طراز کوهی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۵، صص. ۱۶-۱۷.

4. Smite Jakie and Pagnuco Ron, "Globalizing Human Right". The Work of Transational Human Rights NGOs in the 1990, Human Rights Quarterly, 20, 1998, pp.379&412.

انسان، نه تنها در فردیت خویش، بلکه در کل بشریت، تجلی می‌یابد، شاید از این روست که این حق بشری را در نسل سوم قرار داده‌اند، زیرا پس از گذر از دوران آزادی (حقوق مدنی و سیاسی) و برابری (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)، دوران برادری سر رسید و عصر همبستگی، همان گونه که دوگی و ژرژ سل بر آن معتقد بودند، با بشریت پیوند یافت.^۵ شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی برای پیگیری و فعالیت در زمینه صلح، در همین راستا هویت حقوقی می‌یابد و آنان نیز از مشروعیت مطالعه، پایش و مطالبه‌ی صلح عینی برخوردارند. مفهوم حق بر صلح، تدابیر و مفاهیم صلح جهانی را ماهیتی انسانی می‌بخشد و اهمیت کرامت انسانی را در این حوزه، برجسته می‌سازد.^۶

به نظر می‌رسد کامل‌ترین تعریف رسمی از فرآیند صلح، تعریف مندرج در قطع‌نامه‌ی ۱۸۸۹ سال ۲۰۰۹ شورای امنیت در خصوص افزایش مشارکت زنان در کلیه‌ی مراحل فرآیند صلح می‌باشد. مطابق این قطع‌نامه فرآیند صلح شامل دیپلماسی پیش‌گیرانه^۷ و جلوگیری از درگیری و ایجاد و تحکیم صلح است. البته فعالیت‌هایی چون مذاکرات صلح، سازش، بازسازی نهادها و مقررات بشردوستانه نیز در فرآیند صلح لحاظ می‌شود.

تردیدی نیست که امروز، اتکای صرف به دولت برای حاکمیت موثر و کامل، کافی نیست و چنین وضعیتی می‌تواند منجر به فساد و تباهی شود. تا زمانی که ابعاد انسانی به طور کامل به معادله‌ی حاکمیت اضافه نشود، جهان مجموعه شرایط و ابزارهای لازم برای پایان بخشیدن به مخاصمات و تحکیم صلح را نخواهد داشت.

سازمان‌های غیردولتی در سطح داخلی، از یک طرف مدافع خواست‌های مردم در مقابل دولت و در تلاش برای وادار کردن دولت به تامین آن‌ها هستند و از طرف دیگر مانع تعرض دولت به حقوق افراد و حامی حقوق مردم می‌باشند. آن‌ها در جامعه‌ی بین‌الملل نیز از طریق بسیج افکار عمومی و انجام فعالیت‌های گوناگون توجه جامعه‌ی جهانی را به خواست‌ها و نیازهای شهروندان جلب کرده، زمینه را برای تغییر شرایط و بهبود وضعیت شهروندان در سطح جهانی و در درون کشورها فراهم می‌کنند.^۸ سازمان‌های غیردولتی به عنوان یک گروه، متنوع و چندوجهی بوده، دامنه‌ی کارهای‌شان به گستردگی خواسته‌های‌شان است. چشم‌انداز و عملکرد آن‌ها می‌تواند محلی، ملی، منطقه‌ای و یا جهانی باشد؛ برخی از آن‌ها موضوع محور و تعدادی دیگر وظیفه‌محور و بالاخره گروهی مبتنی بر دیدگاه‌های مذهبی‌اند؛ برخی چشم‌انداز گسترده‌ای از منافع عمومی و برخی دیگر تمرکز بر مواردی جزئی و خصوصی‌تر دارند؛ و دیگر این که بعضی از آن‌ها منفرد عمل می‌کنند و دیگران شبکه‌ی ارتباطی تشکیل می‌دهند.^۹

ایفای نقش‌های متمایز در عرصه‌های گوناگون حیات بشری، تنوع عملکرد و گستردگی موضوعاتی که زمینه‌ی شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی را فراهم کرده‌اند موجب شده، صاحب‌نظران دسته‌بندی‌هایی به غایت متفاوت، از

۵. فلسفی، هدایت‌اله، «حقوق بین‌الملل از اراده مطلق تا عقل و واقعیت، و از عقل و واقعیت تا بشریت»، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره‌ی ۲، ۱۳۸۵، ص. ۱۰.

۶. عامری، داود، «حق بر مطالبه صلح عادلانه»، مجموعه مقالات حق بر صلح عادلانه، به اهتمام نادر ساعد، مجمع جهانی صلح اسلامی، دپارتمان دانشگاهیان، ۱۳۸۹، صص. ۷-۸.

7. Prevention Diplomacy.

۸. بیگ زاده، ابراهیم، «سازمان‌های غیر دولتی و حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده‌ی حقوق شهید بهشتی، ش ۳۲-۳۱، ۱۳۷۹، صص. ۱۵-۱۶.

9. Mathews T Jessica T, "Power Shift", Foreign Affairs 76, January/ February 1997, p.53.

سازمان‌های غیردولتی ارائه دهند که در هریک عنصری جداگانه، مبنای تقسیم است. شاخص‌هایی چون، میزان استقلال یا ارتباط با دولت، ارتباط با مجموعه‌ی ملل متحد و سازمان‌های بین‌الدولی دیگر، قلمرو فعالیت، فلسفه‌ی تاسیس، اهداف سازمان، موضوع فعالیت، گروه‌های هدف، جهت‌گیری کارکردها، سطح عملیات، روابط با سازمان‌های غیردولتی دیگر و... در ارائه این دسته‌بندی‌ها لحاظ شده که هریک در نوع خود قابل تأمل‌اند.

با مفهوم گسترده‌ای که امروزه از صلح ارائه می‌گردد و توسعه‌ی مفهوم صلح در مسیری که آن را با حقوق بشر، توسعه و عدالت اجتماعی مرتبط می‌سازد، این حوزه بخش بزرگی از فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی را دربر می‌گیرد. با این وصف دو دسته‌ی کلی از سازمان‌های غیردولتی را می‌توان فعال و موثر بر فرآیند صلح محسوب نمود: دسته‌ی اول سازمان‌های غیردولتی که مستقیماً و در چارچوب عنوان، اهداف و موضوع برگزیده‌ی خود، فعال حوزه‌ی صلح محسوب می‌شوند و در فعالیت‌های تحقیقاتی و عملی برای پیش‌گیری از درگیری، حل اختلافات، مدیریت مخاصمات و اقدامات بشردوستانه، خلع سلاح، پایان‌بخشی به درگیری‌ها و نهادهای سازی صلح مشارکت دارند؛ برای مثال می‌توان به کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، موسسه‌ی تحقیقات صلح بین‌المللی / استکهلم، موسسه‌ی صلح بین‌المللی، مرکز کارتر، دفتر صلح بین‌المللی و موسسه‌ی آمریکایی صلح اشاره نمود. دسته‌ی دوم، دربرگیرنده‌ی گونه‌های دیگری چون سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه‌ی حقوق بشر، توسعه و امنیت انسانی می‌باشد که موثر بر فرآیند صلح بین‌المللی هستند؛ از آن جمله سازمان‌هایی چون موسسه‌ی حقوق بین‌الملل، عفو بین‌الملل، فدراسیون حقوق بشر، انجمن پزشکان بدون مرز، دیده‌بان حقوق بشر و اکسفام می‌باشند. تنوع سازمان‌های غیردولتی دریافت‌کننده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل، نمونه‌ای از گستردگی قلمرو صلح و تسری آن به بخش‌های گوناگون تحقیقاتی و عملیاتی بوده و جریان تحقق صلح را با همه‌ی ابعاد حیات انسانی پیوند می‌زند. این جایزه در سال ۱۹۰۴ به موسسه‌ی حقوق بین‌الملل^{۱۰}، در سال‌های ۱۹۱۷ و ۱۹۴۴ و ۱۹۶۳ به کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، در ۱۹۴۷ به شورای خدمت دوستان^{۱۱}، در ۱۹۷۷ به عفو بین‌الملل، در سال ۱۹۸۵ به پزشکان بین‌المللی برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای^{۱۲}، در سال ۱۹۹۷ به کمپین بین‌المللی ممنوعیت مین‌های زمینی، در سال ۱۹۹۹ به پزشکان بدون مرز و نهایتاً در سال ۲۰۰۲ به مرکز کارتر اعطا شد.^{۱۳}

اگرچه در خصوص وضعیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی در نظام بین‌المللی اختلاف نظر وجود دارد، اما این امر، مانع از پذیرش آن‌ها به عنوان مشاورین و حتی شرکای مردمی برای دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی در نظام بین‌المللی حاکم و مشروعیت بخشی به فعالیت‌های ایشان به ویژه در حوزه‌ی صلح بین‌المللی و فرآیند تحقق آن نبوده است. این امر در مندرجات اسناد مختلف جهانی یا منطقه‌ای، قطع‌نامه‌های متعدد صادره از ارکان ملل متحد، گزارش‌های دبیران کل ملل متحد در دوره‌های مختلف، برقراری ارتباط مشارکتی و مشورتی با سازمان‌های بین‌الدولی چون ملل متحد و نهادهای تخصصی و اتحادیه‌ی اروپا مشهود است. علاوه بر آن مدلول برخی از آرای صادره از محاکم بین‌المللی و نیز پذیرش حق حضور در مراجع قضایی و شبه قضایی بین‌المللی چون دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه اروپایی حقوق بشر در مقام دوست و یار دادگاه مقوم این مشروعیت است.

10. Institute of International Law.

11. Friends Service Council.

12. International Physicians for the Prevention of Nuclear War.

13. The Nobel Peace Prize – Laureates, see: <http://nobelprize.org/peace/Laureates/index.html>.

«سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی به عنوان نماد جامعه‌ی مدنی جهانی، تجلی مشارکت نهادین شهروندان در تصمیمات مرتبط با روح کلی حاکم بر جامعه‌ی بین‌المللی و اتخاذ تصمیمات جمعی هستند».^{۱۴} در حقیقت وابستگی متقابل و سرنوشت یکسان، مردم جهان را در بسیاری قلمروها نظیر صلح، حقوق بشر و حفظ محیط زیست، به سوی همبستگی و مشارکت هدایت نموده است. بدین ترتیب همبستگی برای رسیدن به آرمان «بشریت»، مبنای سومین مقوله‌ی حقوق بشر از جمله حق بر صلح، حق بر توسعه، حق بر محیط زیست، حق بر میراث مشترک بشریت و حق بر ارتباطات را تشکیل داده است. در چنین شرایطی مشارکت افراد در اداره‌ی امور یا «اصل دموکراسی». شرط لازم برای دستیابی به صلح پایدار است و این سازمان‌ها به عنوان نمونه‌ی سازمان‌دهی شده‌ی مشارکت مورد نظر، دلیلی بر دموکراتیک شدن نظم بین‌المللی بوده و نشان می‌دهند که امروزه جامعه‌ی بین‌المللی یا هیئت مدیره‌ی جهانی، فقط دولت‌ها نیستند.

فرض ما این است که در حال حاضر، شمار زیادی از سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، در نتیجه‌ی ضرورت همبستگی جهانی برای مشارکت در تحقق مطالباتی چون «صلح»، «توسعه» و «حقوق بشر» و بر مبنای همکاری آگاهانه و سازمان‌یافته‌ی تک تک افراد، شکل گرفته‌اند و حول هسته‌ی اصلی یعنی «بشریت» در حال فعالیت و اثرگذاری هستند. با توجه به این دیدگاه که صلح تنها در یک جامعه‌ی دموکراتیک که فرهنگ گفت‌وگو و تعامل در آن نهادینه شده، تجلی می‌یابد و در پرتو تنوع فرهنگی و اعتقادی، تقویت گردیده و همبستگی جهانی برای توسعه را بنیان می‌نهد، در این مقاله، در پی درک و شناخت میزان مشارکت و سهم و تاثیر عملی سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در فرآیند صلح بین‌المللی به طور کلی و در تحکیم صلح به طور اخص هستیم. در این راستا ابتدا به قلمرو سازمان‌های غیردولتی در فرآیند صلح می‌پردازیم. سپس در فصل دوم اشتغالات سازمان‌های غیردولتی در تحکیم صلح را مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

فصل اول: قلمرو سازمان‌های غیردولتی در فرآیند صلح

برای ارتقای صلح پایدار، دیپلماسی رسمی توسط دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌الدولی و تحت عنوان دیپلماسی مسیر اول شکل می‌گیرد؛ اما دیپلماسی مسیر دوم، به تلاش‌های غیررسمی بازی‌گران غیردولتی و جامعه‌ی مدنی در جهت یافتن صلح بین طرفین درگیر گفته می‌شود. به طور ایده‌آل، دو مسیر برای نتیجه بخشی پایدار باید مکمل هم باشند، هر چند همیشه این گونه نبوده است.^{۱۵}

باید توجه داشت که نقش سازمان‌های غیردولتی در وضعیت‌های اقتصادی، سیاسی اجتماعی مناطقی که شاهد درگیری بین‌المللی هستند، و در بازسازی جوامع از هم پاشیده و تقسیم شده یا تجدید زیرساخت‌ها و ارائه‌ی ایده‌های اجتماعی بنیادی، بسیار تعیین کننده است.^{۱۶} به نظر می‌رسد که سازمان‌های غیردولتی نقش‌های حیاتی را که دولت‌ها و نهادهای مرتبط با آن‌ها قادر به انجام آن نیستند، ایفا می‌کنند. این وضعیت در هر دو شکل رویارویی مستقیم با پروژه‌های در حال اجرا در نواحی درگیر و نیز ایفای نقش‌های حمایتی و نظارتی توسط آنان، قابل مشاهده است.

در فضای بین‌المللی رو به تغییری که در آن مشروعیت ارزش‌ها و بازی‌گران در سطوح محلی، ملی و جهانی رو به

۱۴. بیگ زاده، ابراهیم، «تقریرات درس سازمان‌های غیردولتی»، دوره ی دکتری حقوق بین الملل شهید بهشتی، سال ۱۳۸۶.

۱۵. کانی پک، صلح پایدار، ترجمه‌ی سهیلا ناصری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱، ص. ۲۸۵.

۱۶. Miall, Hugh; Oliver Ramsbotham ; Tom Woodhouse, Contemporary Conflict Resolution, Cambridge, Polity, 1999, pp. 77-78.

فزونی است، نسل جدیدی از فعالیت‌ها در فرآیند صلح و در جهت توسعه‌ی ارزش‌های اخلاقی، به کارگیری عملیات صلح، میانجی‌گری‌های سنتی و دگرگونی در سیستم حل و فصل اختلافات از طریق سازمان‌های فراملیتی و سازمان‌های غیردولتی، در حال گسترش است و به طور فزاینده‌ای شاهد واگذاری وظایف ایجاد صلح، کمک‌های بشر دوستانه و نهادینه‌سازی صلح از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی به سازمان‌های غیردولتی هستیم. در قلمرو نظریات حل درگیری و تحکیم صلح است که یک چارچوب مفهومی برای سازمان‌های غیردولتی تعریف می‌گردد، تعریفی که ناشی از تاکید بر ارزش‌های مرتبط با نیازهای انسان و امنیت انسانی و جزو مطالبات جامعه‌ی مدنی داخلی و بین‌المللی است. در این راستا، درک عمومی بر مبنای چند بعدی بودن تعارض، شکل گرفته که پاسخ‌ها و راه‌حل‌های چندبعدی را می‌طلبد و بر اساس آن فضایی برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی فراهم شده است.^{۱۷}

ظهور سازمان‌های غیردولتی به عنوان بازی‌گر در سطوح ملی و بین‌المللی از دهه‌ی ۱۹۶۰، قسمتی از یک ضرورت طبیعی در نظام بین‌المللی و واکنشی در مقابل ناتوانی آن در تامین عدالت و نیازهای بشری، امنیت، مداخلات بشردوستانه، حقوق بشر و دیدگاه‌های انعطاف ناپذیری که فقط در پی احترام به حاکمیت سرزمینی بوده‌اند، محسوب می‌شود. ارائه‌ی رویکردهای جدیدی چون دیپلماسی پیش‌گیرانه در دستور کاری برای صلح^{۱۸} و استفاده‌ی گسترده‌ی ملل متحد از اشکال نوین حفظ صلح که با رویکرد نهادینه‌سازی صلح، درصدد ثبات بخشیدن به وضعیت‌های پس از درگیری بود، نشان‌دهنده‌ی نقش حیاتی سازمان‌های غیردولتی، و اهمیت بازتعریف مفاهیم سنتی و توسعه‌ی تکنیک‌های ایجاد صلح و ارتقای آنهاست.^{۱۹}

سازمان‌های غیردولتی به گفته‌ی بطروس غالی دبیرکل اسبق ملل متحد، دسترسی به جامعه‌ی مدنی جهانی را میسر می‌کنند؛ جامعه‌ی مدنی جهانی که سازمان‌های غیردولتی مهمترین ابزار تمایز، برجستگی و ارتقای آن هستند. از نظر وی ملل متحد، در نگاه وسیعی که به امنیت انسانی دارد و برای موفقیت در تلاش‌هایش نقش بازی‌گران مختلف را باید به دقت لحاظ کند.^{۲۰}

در زمینه‌ی تصمیم‌سازی و اجرای قواعد بین‌المللی مرتبط با صلح، سازمان‌های غیردولتی در چهار مرحله حضور ملموس دارند^{۲۱}: تنظیم دستورالعمل‌ها^{۲۲}، مذاکرات منتهی به انعقاد موافقت‌نامه و ایجاد هنجارها^{۲۳}، آگاهی‌بخشی و اجرا^{۲۴} و وادار کردن به اجرا^{۲۵}.

اول - تنظیم دستورالعمل‌ها: سازمان‌های غیردولتی، ساز و کارهای متنوعی برای تعقیب اهداف‌شان و درج آنها در

17. Richmond, Oliver, "Post Westphalian" Peace Building: The Role of NGOs, available on: http://class.uidaho.edu/martin_archives/conflict_journal/ngo.htm.

18. Agenda for Peace.

19. Held David, Democracy and the Global Order, Cambridge, Polity Press, 1995, pp. 266-286.

20. Supplement to Agenda for Peace, A/50A/60-s/1, 3, Jan. 1995, para. 81.

21. Simmons P.J. and Chantal de Jonge Oudraat (eds), Managing Global Issues: Lessons Learned, Washington DC; Carnegie Endowment for International Peace, 2001.

22. Agenda-Setting.

23. The Negotiation of Agreements and Norms.

24. Monitoring and Implementation.

25. Enforcement.

اهداف مندرج در دستورالعمل دارند. آن‌ها از طریق روش‌های شناخته شده و موثری چون اعتراضات و مبارزات خیابانی، استفاده از فن‌آوری‌های مدرن و برگزاری کمپین‌هایی با کمک دورنگار و رایانامه، اتصال به خط‌مشی‌های رسانه‌ای، راه‌اندازی وب‌گاه برای آگاهی‌رسانی همگانی، تصمیم‌گیرندگان را تحت فشار قرار می‌دهند. علاوه بر این، آن‌ها با برگزاری نشست‌های هشداردهنده به موازات همایش‌های دولتی، اقدام به رای‌زنی و متقاعد کردن سیاست‌مداران و سران تجاری برای توجه دوباره به خواسته‌ها و اهدافشان می‌کنند.

برای نمونه تحقیقات و تجزیه و تحلیل سازمان‌های یاری‌گری چون گروه بحران بین‌المللی و دیده‌بان حقوق بشر، در مباحثات مرتبط با اتخاذ تصمیم در بالکان، کوزوو، رواندا، دارفور و افغانستان موثر بود. علاوه بر آن، یکی از دلایل موفقیت کمپین ممنوعیت مین‌های زمینی این بود که سازمان‌های غیردولتی به طور موثری در شکل‌دهی تعریفی جدید از موضوع فعال عمل کردند و آن را از یک مفهوم سنتی که صرفاً بعد امنیتی را نشان می‌داد، به امری که در درجه اول بشردوستانه است، معرفی نمودند. چنین اقدامی زمینه‌ی حضور و فعالیت سازمان‌های غیردولتی بشردوستانه و توسعه‌ای را نیز فراهم نمود. این امر به نوعی توسعه‌ی هنجارهای بشردوستانه و بازتعریف فعالیت‌های لازم در این حوزه است که بستر مداخله‌ی بشردوستانه‌ی بین‌المللی در امور داخلی را هموار می‌کند.^{۲۶}

دوم- مذاکرات: سازمان‌های غیردولتی سالیان زیادی است که در مذاکرات چندجانبه حضور دارند؛ اما اخیراً این مشارکت مورد توجه قرار گرفته است. مشهورترین نمونه‌ی تاثیرگذاری به سال ۱۹۴۵ و تشکیل ملل متحد بر می‌گردد، زمانی که آن‌ها موفق شدند به دولت‌ها بقبولانند حقوق بشر، در متن منشور ملل متحد گنجانده شود. در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ مشارکت سازمان‌های غیردولتی در مذاکرات چندجانبه، توسعه یافته و رسمی‌تر شد. سازمان‌های غیردولتی اغلب به طور رسمی و به عنوان ناظر در کنفرانس‌ها حضور دارند و این آن‌ها را قادر می‌سازد با نمایندگان دولت‌ها برای تنظیم بیانیه‌ها و تقدیم اسناد تعامل نمایند.

اهمیت حضور سازمان‌های غیردولتی در مذاکرات ۱۹۹۷ کنوانسیون مین‌های ضد نفر و نیز مشارکت گسترده‌ی آن‌ها در تدوین اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی نمونه‌های قابل توجهی هستند.^{۲۷} نکته‌ی جالب این که برخی از کشورها مثل فرانسه که از کمپین سازمان‌های غیردولتی در جریان کنوانسیون مین‌های ضد نفر در *اتاو* حمایت کردند، در جریان مذاکرات ۱۹۹۸ رم برای تشکیل دیوان دایمی کیفری از فعالیت‌های آن‌ها حمایت نکردند و حتی متعاقب آن برای کاهش مشارکت آنان در مذاکرات چندجانبه، ابتکارانشان را انکار کردند.^{۲۸}

26. Finnemore, Martha, and Kathryn Sikkink, "International Norm Dynamics and Political Change," International Organization 52, No. 4, 1998.

27. Vanessa, Martin Randin, "Diplomats, Civil Society and Academia: Some Thoughts on the Limits of Discourse," in: Thinking Outside the Box in Multilateral Disarmament and Arms Control Negotiations, John Borrie and Vanessa Martin Randin, (ed), Geneva, UNIDIR, 2006, pp. 23-25.

28. بعد از این تاریخ تا مدتی شاهد محدودیت حضور و مشارکت سازمان‌های غیردولتی بوده‌ایم، نظیر محدودیت‌های اعمال شده در این زمینه در کنفرانس ۲۰۰۰ زنان، پکن +۵، کنفرانس خلع سلاح، مذاکرات ۲۰۰۱ مربوط به سلاح‌های کوچک. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک. Florini Ann M. (ed), The Third Force: The Rise of Transnational Civil Society, (Tokyo and Washington, DC; Japan Center for International Exchange and the Carnegie Endowment for International Peace, 2000, pp. 214-216; Atwood David, "Ngos and Multilateral Disarmament Diplomacy: Limits and Possibilities, Borrie and Vanessa Martin Randin op.cit.

علاوه بر این سازمان‌های غیردولتی در مواردی میان کشورهای درگیر، میزبان و یا تسهیل‌کننده‌ی میانجی‌گیری و یا مشوق و تسهیل‌کننده‌ی انجام مذاکره بین طرفین بوده‌اند؛ مثلاً مجمع دوست‌داران کلیسا که اجتماعی از سازمان‌های غیردولتی مذهبی است^{۲۹} میزبان و یاری‌کننده‌ی گفت‌وگو بین دولت نیجریه و سران شورشیان بیافرا در درگیری‌های ۱۹۷۰-۱۹۶۷ بود. هم‌چنین در طول جنگ داخلی موزامبیک، مداخله و نقش‌آفرینی سازمان غیردولتی ایتالیایی انجمن سنت آگیدیو^{۳۰}، در ترتیب دادن نشست‌های غیررسمی بین طرفین درگیر بسیار مفید بود و همین نشست‌ها منجر به انعقاد قرارداد صلح در سال ۱۹۹۰ گردید.

تلاش‌های موسسه‌ی کارتر و برنامه‌ی حل درگیری آن مرکز، شبکه‌ای از مذاکرات بین‌المللی را تشکیل داده که در جهت پیش‌گیری و حل درگیری، مسائل حقوق بشر و نیز به زمام‌داری برون‌داد موفقی داشته است. نمونه‌ی این تلاش‌ها در مورد کاهش تنش بین ایالات متحده و کره‌ی شمالی و نیز در هائیتی و رواندا اتفاق افتاده است. نقش میانجی‌گرانه‌ی سازمان‌های غیردولتی در سودان و در تلاش برای توقف جنگ داخلی در ۱۹۷۲ که برای مدتی باعث توقف جنگ شد و نیز نقش شورای فرامذهبی سیرالئون در تلاش‌های مشابه در سیرالئون که باعث پایان بخشیدن به جنگ داخلی شد، نیز نمونه‌های دیگری از فعالیت‌های نتیجه‌بخش این سازمان‌ها بوده‌اند.^{۳۱}

سوم- آگاهی بخشی و اجرا: سازمان‌های غیردولتی این روزها به عنوان بازی‌گران مهمی در تقویت، اجرا و پشتیبانی پذیرش موافقت‌نامه‌های بین‌المللی شناخته می‌شوند. سازمان‌های غیردولتی فعال از درون و بیرون دولت‌ها را جهت اجرای توافقات و تشویق به ایجاد تغییرات اجتماعی لازم و مورد نظر موافقت‌نامه‌ها تحت فشار قرار می‌دهند. آن‌ها اطلاعات و آمار تکمیلی و مرتبط با مشکلات جهانی را تأمین کرده، به شناساندن فواید موافقت‌نامه‌های بین‌المللی کمک نموده و امکان آگاهی سریع از مشکلات جدید را میسر می‌کنند. علاوه بر آن با ارائه‌ی کمک و خدمات، یاری‌گر دولت‌ها برای اجرای توافقات بوده و دولت‌ها نیز اجرای بخش‌هایی از موافقت‌نامه‌ها را به آن‌ها واگذار می‌کنند. برنامه‌ی گزارش‌دهی مستقیم و سریع سازمان‌هایی چون دیده‌بان حقوق بشر، کمیته بین‌المللی حقوق بشر، سازمان پناهندگان بین‌المللی و گروه بحران بین‌المللی به سران دولت‌ها و به عموم مردم، از این دست است.

چهارم- الزام به اجرا و واکنش در صورت عدم اجرا: در این زمینه نقش سازمان‌های غیردولتی معمولاً به مجموعه‌ای از داده‌ها و ارزیابی‌ها محدود می‌شود.^{۳۲} سازمان‌های غیردولتی هیچ قدرت الزام‌آوری ندارند و نمی‌توانند دولت‌ها را به اجرای قواعد بین‌الملل ملزم نمایند. آن‌ها حتی ابزار جبران خسارت نیز در اختیار ندارند. در خیلی از موارد نهادهای حقوق بشری مبتنی بر معاهدات به سازمان‌های غیردولتی اجازه‌ی ارائه‌ی رسمی اطلاعات مربوط به عدم اجرای

29. Quakers.

30. Comunita di Sant'Egidio.

۳۱. برای مطالعه بیشتر تر رک.

Smock David, "Faith Based NGOs and International Peacebuilding," in USIP Special Report, (Washington. DC; U.S. Institute of Peace, 2001) - Branka Peuraca, "Can Faith-Based Ngo's Advance Interfaith Reconciliation? The Case of Bosnia Herzegovina", in USIP Special Report , Washington DC; U.S. Institute of Peace, 2003.

32. Sands, Philippe, "Compliance with International Environmental Obligations: Existing International Legal Arrangements", in: Improving Compliance with International Environmental Law, James Cameron; Jacob Werksman, and Peter Roderick, (ed), London, Earthscan, 1996, pp. 53, 65-68.

قواعد حقوق بشری را داده‌اند. قدرت بسیج افکار عمومی و برخورداری از حمایت و همراهی مردم نقش سازمان‌های غیردولتی را در جهت الزام دولت‌ها به اجرای تعهدات بین‌المللی، پررنگ کرده است. بدین ترتیب، سازمان‌های غیردولتی با وجود در اختیار نداشتن ابزار رسمی الزام دولت‌ها، هزینه‌ی نقض تعهدات و یا نادیده گرفتن هنجارهای بین‌المللی را برای دولت‌های خاطی بالا می‌برند؛ به عنوان مثال بارها عفو بین‌الملل دولت‌ها را از طریق تشکیل کمپین‌هایی مجبور به آزادسازی زندانیان سیاسی نموده است. کمپین جهانی علیه نقض حقوق بشر در چین، یکی از این موارد بوده است.

فصل دوم: اشتغالات سازمان‌های غیردولتی در تحکیم صلح

تحکیم صلح شامل فعالیت‌هایی است برای جلوگیری از درگیری، مدیریت مخاصمات مسلحانه، پایداری صلح پس از جنگ و پایان حقیقی خشونت‌های گسترده و سازمان‌یافته‌ی ناشی از درگیری. بنابراین به نظر می‌رسد مراحل تحکیم صلح شامل جلوگیری مقدماتی از شکل‌گیری درگیری و خشونت، مدیریت مخاصمات در طول درگیری مسلحانه و تحکیم صلح پس از درگیری باشد. مفهوم تحکیم صلح، بر این اندیشه استوار است که باید بعد از پایان یک مخاصمه اوضاع به گونه‌ای مدیریت شود که از تکرار آن جلوگیری گردد. ایجاد دورانی خوب پس از یک مخاصمه از اهمیتی برابر با اجرای یک عملیات نظامی برخوردار است. خلع سلاح، عدم بسیج مردم، بازگرداندن آن‌ها به زندگی اجتماعی، بازسازی زیربنای و بازگشت آوارگان بخش جدانشدنی از روند سرنوشت‌سازی است که منجر به حل قطعی و کامل مشکلات می‌شود.^{۳۳}

تحکیم صلح پایدار به معنای ساخت دوباره‌ی کشور و اجتماع است که شامل اصلاحات اقتصادی-اجتماعی برای غلبه بر انحرافات عمیق ناشی از جنگ می‌باشد. منظور از اصلاحات گسترده‌ی سیاسی و نهادی، دموکراتیک کردن کشور و ایجاد نظام سیاسی جدید و نهادهای حکومتی ناظری است که دارای مشروعیت و تاثیرگذاری باشند. این نهادها باید قادر باشند جهت‌گیری‌های اجتماعی را به سمت پذیرش حل مسالمت‌آمیز اختلافات هدایت کنند که در نهایت آن صلح پایدار ممکن خواهد بود.^{۳۴}

«دستور کاری برای صلح» و متمم آن در خصوص اصول حاکم بر عملیات صلح، به عنوان برنامه‌ای جامع با تدابیر متنوع و تاکید بر ایجاد ماموریت‌های پیش‌گیرانه در جهت حفظ صلح و ضرورت تثبیت صلح پس از درگیری یا تحکیم صلح شکل گرفت. مفهوم تحکیم صلح در دستورالعمل مذکور شامل «تلاش‌هایی است که به منظور شناسایی و حمایت از ساختارهایی انجام می‌شود که به تحکیم و تقویت صلح منجر شده، حسی از اعتماد و رفاه در میان مردم ایجاد می‌کند و مانع از فروغلتیدن مجدد آن‌ها در مخاصمه می‌شود».^{۳۵}

در کنار بازی‌گران متعددی که در فرآیند تحکیم صلح مشارکت دارند، سازمان‌های غیردولتی هستند. این سازمان‌ها نقش حیاتی در ایجاد و تداوم خدمات ضروری، حمایت از پناهندگان و جمعیت بی‌خانمان شده‌ی داخلی و کمک به توسعه‌ی اجتماعی ایفا می‌کنند. رشد روز افزون ابتکارات منسوب به سازمان‌های غیردولتی منجر به پذیرش این واقعیت شد

^{۳۳}. بطروس- غالی، حقوق بین‌الملل در تکاپوی ارزش‌های خود: صلح، توسعه، دموکراسی، ترجمه‌ی ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱، شماره‌ی ۳۶-۳۵، صص. ۲۴۹-۲۵۰.

^{۳۴}. Sanahuja, Jose Antonio, La vinculación entre los socorros, la rehabilitación y el desarrollo: más allá del continuum humanitario, Federación Internacional de Sociedades de la Cruz Roja, Mimeo, 1999.

^{۳۵}. Boutros- Boutros – Ghali, Supplement to Agenda for Peace A/50/60/s/1995/1 .

که تحقق بازسازی‌های اجتماعی بی‌شماری که لازمه‌ی تحکیم صلح است، نه با دیپلماسی رسمی و برنامه‌های بازسازی دولتی، بلکه با تکیه بر توانایی‌های سازمان‌های غیردولتی امکان‌پذیر است. این واقعیت باعث نزدیکی بازی‌گران دولتی و غیردولتی شد، به طوری که در برخی کشورها نظیر آلمان^{۳۶} و سوئیس^{۳۷} عمده‌ترین سازمان‌ها و شبکه‌های توسعه‌ای و صلح دولتی و غیردولتی به طور مشترک کارگروهی برای یادگیری بیش از پیش ابعاد تحکیم صلح و حساسیت‌های درگیری‌ها تشکیل داده‌اند.

با توجه به گستردگی فعالیت‌ها و کثرت موضوعی در حوزه‌ی تحکیم صلح، برای بررسی عملکرد و ابتکارات سازمان‌های غیردولتی در این زمینه، تقسیم‌بندی لازم را نه بر اساس عناوین فعالیت‌ها بلکه بر اساس اشتغالات آن‌ها ارائه می‌دهیم. در این راستا می‌توان چارچوبی کلی مشتمل بر هفت نوع اشتغال استخراج نمود^{۳۸}: ۱- حفاظت، ۲- نظارت و هشدار زودهنگام، ۳- یاری‌رسانی و ارتباطات همگانی، ۴- اجتماعی کردن، ۵- همبستگی اجتماعی، ۶- میانجی‌گری و تسهیل‌گری، ۷- ارائه‌ی خدمات.

۱- حفاظت

در دوران پس از درگیری، دولت‌ها گاهی به علت ضعف ناشی از درگیری‌های مسلحانه قادر به حفاظت از شهروندان نیستند. در مواردی نیز خود دولت‌ها به اقتضای اهداف و سیاست‌های نظامی ناقض حقوق شهروندان هستند. از این رو، اقدامات سازمان‌های غیردولتی برای حفاظت از جان، حقوق و اموال شهروندان در مقابل خطرات ناشی از عملکرد طرفین درگیر در جنگ و نیز دولت‌ها، چه در زمان درگیری‌ها و چه بلافاصله پس از آن انجام می‌گیرند.

عمل حفاظت به طور عمده با دو هدف حفظ و حمایت از حقوق بشر و رعایت و اعمال حقوق بشردوستانه صورت می‌گیرد. این عمل اغلب توسط سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی با هدف تثبیت شرایط پس از درگیری انجام می‌شود. یکی از اشکال حمایت، حمایت غیرمستقیم است که از طریق هدایت و حمایت از جامعه‌ی مدنی محلی و با حضور به عنوان دیده‌بان و ناظر محقق می‌شود. روش دیگر حمایت مستقیم با حضور در محل و ارائه‌ی کمک‌های بشردوستانه توأم با همراهی بین‌المللی است. اقدامات بی‌نظیر صلیب سرخ جهانی و سازمان عفو بین‌الملل که در جهت حفظ و ارتقای حقوق بشردوستانه و حقوق بشر فعال هستند، کارنامه‌ی موفق‌تری را برای این دو سازمان غیردولتی بین‌المللی رقم زده است. دریافت اطلاعات از طریق اعضای داوطلب عفو بین‌الملل و تنظیم گزارش‌های سالیانه در خصوص میزان پایبندی دولت‌ها به ارزش‌های حقوق بشری و موارد نقض حقوق بشر در کشورها از اقدامات موثر در اطلاع‌رسانی و بسیج افکار عمومی محلی و بین‌المللی است که با هدف حفاظت از شهروندان و جلوگیری از نقض حقوق انسانی‌شان به ویژه در کشورهای درگیر و ضعیف شده صورت می‌گیرد.^{۳۹}

در جنگ داخلی کلمبیا که چهار دهه ادامه یافت، سه میلیون نفر آواره شدند و طرفداران صلح و حقوق بشر، رهبران

36. <http://www.frient.de>.

37. <http://www.swisspeace.org>.

38. Sierra, Katherin, & Others, Civil Society and Peace Building, Social Development Department Sustainable Development Network, Document of the World Bank, Report No. 36445-GLB, 2006, pp.12-18.

۳۹. گلشن پژوه، محمودرضا، «عفو بین‌الملل و دیده بان حقوق بشر و وضعیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۸۸، صص. ۱۶۸-۱۶۶.

اتحادیه‌ها و جمعیت روستایی در اثر خشونت‌های مبتنی بر سیاست بی‌پناه مانده بودند. در چنین شرایطی سازمان غیردولتی نگهبانان بین‌المللی صلح^{۴۰} گروه‌هایی را برای حفاظت از صلح ملی و فعالیت‌های حقوق بشری به داخل کلمبیا فرستاد که تلاش‌هایشان بسیار ثمربخش بود. تمرکز عملیات این سازمان بر همراهی حفاظتی^{۴۱} است. اشکال دیگر حفاظت شامل حمایت از مداخلات مرتبط امنیتی نظیر مین‌روبی، کنترل سلاح‌های سبک، خلع سلاح، رفع بسیج عمومی و استقرار مجدد رزمندگان و بازگشت آن‌ها به جامعه می‌باشد. سازمان‌های غیردولتی بسیاری با موانع سیاسی کم‌تر در این نوع فعالیت مشارکت کرده، دولت‌ها و شهروندان را نیز به همراهی و عملی ساختن مقررات مربوطه تشویق می‌کنند.

۲- نظارت و هشدار زودهنگام

مشاهده و نظارت بر فعالیت‌های بازی‌گران ابزاری برای ارتقای حساب‌پذیری و پیش‌شرطی برای اشتغالات حفاظت، یاری‌رسانی و ارتباطات مردمی سازمان‌های غیردولتی به شمار می‌آید. این سازمان‌ها می‌توانند شرایط درگیری را ارزیابی، سپس پیشنهادهایی به تصمیم‌گیرندگان و اطلاعاتی به گروه‌های یاری‌گر ارائه نمایند؛ علاوه بر آن نیروهایی جهت هشدار زودهنگام تامین کنند. این نوع فعالیت سازمان‌های غیردولتی که در تمامی مراحل درگیری مسلحانه قابل انجام می‌باشد، در صورتی که تمامی بازی‌گران همکاری نزدیک داشته باشند، پیامدهای چشم‌گیری خواهد داشت. در خصوص هشدار زودهنگام همکاری فزاینده‌ای بین سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، ملی و محلی و نیز سازمان‌های منطقه‌ای وجود دارد. در نپال سازمان‌های حقوق بشری ملی با سازمان‌های محلی در ارتباط بوده و به طور عمده‌ای با سازمان عفو بین‌الملل^{۴۲} همکاری نزدیک دارند. روابط بین‌المللی فضای امنی برای سازمان‌های محلی در اجرای وظایف نظارتی‌شان ایجاد می‌کند.

دیده‌بان حقوق بشر^{۴۳} یکی از سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی است که سعی دارد هر نوع نقض حقوق بشر را کنترل نماید. این سازمان با عمومی ساختن و انتشار وسیع اطلاعات، سیاست شرم‌ده‌سازی دولت‌ها نزد شهروندان جامعه‌ی جهانی را در پیش گرفته و با اعمال فشار جهت قطع کمک‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک سایر دولت‌ها، سعی در منزوی نمودن دولت‌های ناقض حقوق بشر می‌نماید. اعضای این سازمان، با برقراری ارتباط با سازمان‌های غیردولتی محلی به خصوص در مناطق بسیار مهم و بحرانی، ایجاد دفاتر، مصاحبه با قربانیان و شهود نقض حقوق بشر، ملاقات با مقامات محلی، رهبران مخالف، رهبران مذهبی، گروه‌های امداد رسانی، خبرنگاران، وکلا و پزشکان اطلاعات دست اول کسب می‌کنند.

ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی برای پذیرش «معاهده‌ی منع استفاده از کودک سرباز» در سال ۱۹۹۸ و کسب جایزه‌ی نوبل به همراه تعدادی دیگر از سازمان‌های غیردولتی به واسطه‌ی «مبارزه بین‌المللی برای حذف مین‌های ضد نفر» در سال ۱۹۹۷ از جمله دستاوردهای سازمان دیده‌بان حقوق بشر است. علاوه بر آن درخواست تشکیل یک دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی برای یوگسلاوی سابق، تدارک مدارک وسیعی در زمینه‌ی نقض حقوق بشر برای دادگاه جنایت جنگی رواندا، اعمال نقش فعال در اقدام قانونی علیه پینوشه، دیکتاتور سابق شیلی در لندن و تنظیم گزارش نقض حقوق بشر در کوزوو در سال

40. Peace Brigades International.

41. Protective Accompaniment.

43 Human Rights Watch.

۱۹۹۰ از جمله اقدامات سازمان دیده‌بان حقوق بشر در راستای تحکیم صلح محسوب می‌شوند.^{۴۴}

۳- یاری‌رسانی و ارتباطات همگانی

یکی از اشتغالات اصلی در تحکیم صلح که در حقیقت نقش اولیه‌ی سازمان‌های غیردولتی محلی به شمار می‌آید، یاری‌رسانی است. آنان می‌توانند علایق گروه‌های اجتماعی را با مهارت اظهار کرده و کانال ارتباطی برای افزایش آگاهی عمومی و تسهیل گنجاندن موضوعات مورد نظر در دستورالعمل‌های همگانی باشند. یاری‌رسانی در تمامی مراحل فرآیند صلح ضرورت دارد، اما ماهیت و شکل اجرای آن متناسب با مقطع اجرایی متفاوت است. در زمان درگیری، سازمان‌های غیردولتی بیش‌تر تمایل دارند به پایان دادن به درگیری‌ها انعقاد قرارداد کمک کنند؛ علاوه بر آن درصددیاری رسانی علیه خشونت، نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و گسترش مشارکت خویش در فرآیند صلح می‌باشند. در عین حال برگزاری کمپین‌های اطلاع‌رسانی و نظر سنجی توسط سازمان‌های غیردولتی نیز می‌تواند باعث پیوند حجم بیش‌تری از مردم با فرآیند مذاکرات رسمی^{۴۵} و حتی پیوند مستقیم جامعه‌ی مدنی با مذاکرات رسمی بشوند؛ اتفاقی که در گواتمالا و افغانستان رخ داد.^{۴۶}

برای نمونه فرآیند صلح گواتمالا با ابتکار میانجی‌گرانه‌ی سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۳ آغاز و در سال ۱۹۹۶ با انعقاد قرارداد صلح به نتیجه رسید. در سال ۱۹۹۴ مجمع جامعه‌ی مدنی در گواتمالا شکل گرفته بود و اختیار یافت تا پیشنهادات غیرالزام‌آوری را در خصوص کلیه‌ی موضوعات مورد مذاکره در دیپلماسی رسمی ارائه دهد. این مجمع خلاصه‌ی پیشنهادهایی را در جنبه‌های کلیدی آماده کرده و هم‌زمان با فرآیند رسمی منتشر ساخت. مشارکت سازمان‌های غیردولتی در این فرآیند باعث مشروعیت‌بخشی به فرآیند مذاکرات شده؛ تامین مالی این مشارکت توسط اهداکنندگان بین‌المللی صورت گرفت.^{۴۷}

یکی از شاخص‌ترین فعالیت‌های یاری‌گرانه‌ی سازمان‌های غیردولتی در تحکیم صلح، تلاش آنها برای ایجاد دولت‌های دموکراتیک از طریق نظارت بر انجام انتخابات آزاد با حق مشارکت عموم شهروندان و حاکمیت قانون در عملکرد قدرت‌های حاکم است. باید باور داشت که ریشه‌ی بخش زیادی از درگیری‌های معاصر خصوصاً درگیری‌های داخلی، بی‌توجهی به حق مشارکت تمامی مردم اعم از اقلیت و اکثریت فارغ از هر نوع تمایز قومی، نژادی و سیاسی در اداره‌ی امور و در تصمیم‌سازی‌های جامعه است. در این راستا سازمان‌های غیردولتی برای تحکیم صلح از مجرای ایجاد دولت‌های دموکراتیک و برقراری دموکراسی در سه محور اساسی عمل می‌کنند:

۱- آگاهی‌دهی و احترام به حقوق اشخاص در جهت تقویت و تجلی آزادی بیان، آزادی اجتماعات و همبستگی اجتماعی که بستر و لازمه‌ی شکل‌گیری دموکراسی مشارکتی است؛ ۲- یاری‌رسانی به منظور تضمین وجود عرصه‌ی مناسبی

^{۴۴}. گلشن پژوه، پیشین، صص. ۱۷۵-۱۷۳.

^{۴۵}. Accord, "Owning the Process, Public Participation in Peace Making," Accord Series, Reconciliation Resources, London, 2002.

^{۴۶}. J., R Armon., Sieder, and R. Wilson, Negotiating Rights, The Guatemalan Peace Process. London, Conciliation Resources, 1997 .

^{۴۷}. Holiday W. D Stanley,.. "Broad Participation, Diffuse Responsibility, Peace Implementation in Guatemala." in: S. J. Stedman, D. Rothchild, and E. Cousens. eds., Ending Civil Wars. The Implementation of Peace Agreements, Boulder, CO: Lynne Rienner, 2002, pp. 421-462 .

برای رقابت انتخاباتی که در آن نامزدهای انتخاباتی از همه‌ی طیف‌های شهروندان حضور داشته، با آنان در تمامی فرآیند انتخابات به صورت آزادانه و منصفانه رفتار شود؛^{۴۸} - تلاش برای ایجاد و توسعه‌ی قواعد منصفانه و عادلانه و نیز ایجاد نهادهای پاسخ‌گو و حساب‌پذیر دولتی که به حقوق اشخاص فارغ از این که چه کسی و از چه جناح فکری هستند، احترام بگذارند.

یکی از گسترده‌ترین و موثرترین برنامه‌های کمک انتخاباتی و برقراری دموکراسی سازمان‌های غیردولتی توسط مرکز کارتر اجرا می‌شود. برنامه‌های حل درگیری و میانجی‌گرانه‌ی این سازمان بسیار گسترده است. اما مرکز کارتر در جهت تحکیم صلح در سطح جغرافیایی وسیعی در آمریکا، آسیا و آفریقا نیز فعال است. این مرکز در این راستا و در جهت نظارت بر انتخابات و حتی میانجی‌گری انتخاباتی در کشورهایی که در حال انتقال به دموکراسی هستند، عمل می‌کند؛ از جمله‌ی این کشورها نیکاراگوئه، پاناما، گویان، پاراگوئه و مکزیک هستند. گفت‌وگوهای سازنده، تلاش برای حضور تمامی طیف‌های شهروندان و گروه‌ها و حفظ بی‌طرفی از عوامل موفقیت این مرکز بوده است.^{۴۹}

۴- اجتماعی کردن

سازمان‌های غیردولتی با تقویت دیدگاه‌های موجود در مسیر پذیرش حل اختلافات و سازش از طرق مسالمت‌آمیز در راستای اجتماعی کردن گام بر می‌دارند. در این روش تلاش می‌شود فرهنگ صلح جای‌گزین تفکرات خشونت‌آفرین در میان مردمی شود که در اثر درگیری دچار گسست اجتماعی و چند دستگی شده‌اند بیش‌تر فعالیت‌های اجتماعی کردن در جهت اتخاذ روی‌کرد حل درگیری، مشتمل بر پروژه‌ی گفت‌وگو، اقدامات برای سازش، آموزش صلح، کمپین‌های صلح، تعلیم حل درگیری و ایجاد توانایی‌های مرتبط است. تحقیقات نشان می‌دهد که اجرای موفق این ابتکارات در گرو داشتن پشتوانه‌ی مردمی قوی از حیث کمی و کیفی است.^{۴۹}

گفتمان مردم با مردم در فلسطین - اسرائیل^{۵۰} که در چارچوب پیمان‌های صلح /سلو^{۵۱} در سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۵ با حمایت مالی دولت نروژ برگزار شد، در همین راستا بود. در این گفتمان حدود یکصد و شصت و پنج فعالیت مشترک بین فلسطینیان و اسرائیلیان در جهت افزایش گفت‌وگو، برگزاری جشنواره فیلم، فعالیت‌های محیط زیستی، انتشار کتاب، نشست‌های ژورنالیستی و آموزش‌های اتحاد انجام شد. البته ارزیابی‌ها نشان می‌دهد این برنامه به اهداف خود نرسیده و تداوم خشونت بین آنها، شکست اقدامات را نشان می‌دهد. فعالیت‌های صورت گرفته در این گفتمان صرفاً بر سطح آگاهی و روابط افراد حاضر تاثیر نهاد و تلقی شخصی آن‌ها را از طرف مقابل تغییر نداد. باید توجه داشت که این نتیجه نیز، عنصر مهمی در سازش محسوب می‌شود.

۵- همبستگی اجتماعی

48. James Larry Taulbee and Marion V. Creekmpr, JR; " NGO Mediation: The Carter Center", in: Mitigating Conflict, The Role of NGOs, Henry F. Carey, Oliver P. Richmond, Frank Cass, 2003, pp.157-160 .

49. Anderson, M. B. L. Olson, and K. Doughty, Confronting War: Critical Lessons for Peace Practitioners, Cambridge, MA: The Collaborative for Development Action, 2003.

50. People to People Dialogue in Israel/Palestine.

51. Oslo Peace Accords.

از آنجا که درگیری‌ها معمولاً باعث تخریب پیوندهای سرمایه‌ی اجتماعی^{۵۲} می‌شوند، افزایش همبستگی اجتماعی یکی از اشتغالات مهم سازمان‌های غیردولتی در تحکیم صلح است. بازگرداندن پیوندهای سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند به کنترل خشونت‌های درون گروهی و تجدید حیات تعاملات، وابستگی‌ها و انسجام گروه‌ها کمک کند.^{۵۳} به نظر می‌رسد در مواردی اقداماتی که پس از درگیری در جهت همبستگی اجتماعی انجام می‌شوند. در مقایسه با اقدامات فرهنگ صلح، ظرفیت بیشتری برای اثرگذاری بر تحکیم صلح دارد. فعالیت‌های انجمن فیلم‌سازان مستقل در قفقاز شمالی^{۵۴} نمونه‌ای از این دست است. فعالیت‌های این سازمان غیردولتی فرمانطقه‌ای که در قلمرو سه کشور گرجستان، آذربایجان و ارمنستان فعالیت دارد، از سال ۲۰۰۵ آغاز شده و جزو برنامه‌های بلندمدت محسوب می‌شود. این سازمان فعالیت معمول خود را با هدف افزایش آگاهی عمومی از طریق انتخاب موضوعات فیلم‌ها و به چالش کشیدن دولت از طریق موضوعات اقتصادی و حقوقی نظیر تخصیص یارانه به سینما در سطح ملی و منطقه‌ای و نیز ارائه‌ی خدماتی چون اجاره‌ی وسایل پیش‌رفته‌ی فیلم‌سازی به اعضا و جامعه‌ی فیلم‌سازان انجام می‌دهد. این همکاری بین افراد از کشورهای دشمن، هم‌زمان موجب ایجاد اعتماد بین مردم و نیز دولت‌مردان و افکار عمومی خواهد شد.^{۵۵}

۶- میانجی‌گری و تسهیل‌گری

اشتغال مهم دیگر سازمان‌های غیردولتی، میانجی‌گری بین گروه‌های ذی‌نفع و دولت است. در راستای تحکیم صلح میانجی‌گری و تسهیل‌گری بین دولت و شهروندان، بین طرفین درگیری، در درون گروه‌ها و در سطوح مختلف جامعه صورت می‌گیرد. عمده‌ترین بخش این فعالیت‌ها در حقیقت نقش تسهیل‌گرانه‌ی رسمی و غیررسمی سازمان‌های غیردولتی محلی و یا بین‌المللی بین گروه‌های نظامی و نیز بین گروه‌های نظامی و اجتماعات یا نهادهای توسعه‌ای است.

۷- ارائه‌ی خدمات

ارائه‌ی مستقیم خدمات به اجتماعات و اعضا به ویژه در قلمرو دولت‌های ضعیف و در طول درگیری‌ها یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی به عنوان متمم و مکمل خدمات دولت است. در این که ارائه‌ی خدمات به چه صورتی به عنوان یک فعالیت مرتبط با تحکیم صلح باشد اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از نویسندگان و سازمان‌هایی چون آژانس همکاری بین‌المللی برای توسعه‌ی سوئد^{۵۶} معتقدند، ارائه‌ی خدمات منجر به حفظ زندگی و کاهش درد و رنج می‌گردد و این موضوع برای دستیابی به صلح ضرورت دارد.^{۵۷}

بی‌تردید زمانی که دولت در طول مخاصمات و یا پس از آن در اثر جنگ و آثار آن ضعیف می‌شود، ارائه‌ی خدمات

52. Social Capital.

53. Orjuela, C., "Civil Society in Civil War, Peace Work and Identity Politics in Sri Lanka," PhD Dissertation, Department of Peace and Development Research, University Göteborg, 2004.

54. Association of Independent Filmmakers, South Caucasus.

55. <http://www.focal.ch/AVANTI/>

56. Swedish International Development Cooperation Agency.

57. SIDA. Sida's Policy for Civil Society: The Objective of Sida's Cooperation with Civil Society, 2005, available on: <http://www.sida.se>.

توسط سازمان‌های غیردولتی بسیار مهم بوده، برای مردم جنگ‌زده حیاتی است. البته زمانی این فعالیت مرتبط با تحکیم صلح است که هدف صریح سازمان غیردولتی خدمات‌دهنده تحقق صلح باشد؛ برای مثال در نپال که آمار فقر به خصوص در میان طبقات فرودست، مردم روستایی و گروه‌های قومی بالاست، سازمان همکاری سوییس^{۵۸} با همکاری سازمان غیردولتی سویس هل‌وتاز^{۵۹} در حال حمایت و بازسازی پل‌های معلق هستند. در این بین مقامات محلی حکومت، سازمان‌های غیردولتی محلی و جمعیت‌های محلی نیز در فرآیند بازسازی مشارکت می‌کنند. اهداف صریح در این خدمات‌رسانی، بهبود شرایط زندگی مردم روستایی از طریق تسهیل دسترسی به بازار و خدمات بنیادی برای مردمی است که قبلاً به دلیل مشکلات ارتباطی و فقدان امکانات ارتباطی چون جاده این دسترسی را نداشتند و همین یکی از عوامل وقوع درگیری بود. بازسازی پل‌ها در حقیقت نقطه‌ی ورود در مسیر تقویت همبستگی اجتماعی در درون جمعیت‌هایی است که به دلیل جنسیت و یا قومیت و... دچار گسست چند رستگی شده‌اند.^{۶۰}

58. Swiss Development Cooperation.

59. Helvetas.

60. <http://www.nepaltrailbridges.org>.

نتیجه گیری

سازمان‌های غیردولتی ظرفیت منحصر به فردی برای تحکیم صلح دارند، با این حال گسترش این سازمان‌های به طور خود به خودی منجر به تحکیم صلح نخواهد شد. روی کرد اشتغالی⁶¹ به نقش سازمان‌های غیردولتی در تحکیم صلح چنانچه که ملاحظه گردید، فهم فعالیت‌های انواع مختلف سازمان‌های غیردولتی را تقویت می‌کند. اما توسعه‌ی قابلیت‌های این سازمان در مسیر تکمیل و نتیجه‌بخشی اشتغالات پیش گفته، به طیف وسیعی از عوامل بستگی دارد؛ برخی از این عوامل خارج از سازمان‌های غیردولتی و در فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود جامعه و برخی دیگر در درون تشکیلات سازمان‌های غیردولتی و ناشی از توانایی‌ها، تخصص و ارتباطات آن‌ها با نهادهای دولتی و غیردولتی است.

عوامل خارجی عبارتند از:

- چارچوب حقوقی و مقرراتی موجود، یعنی قواعدی که حقوق اساسی مربوط به حق آزادی اجتماعات، حق آزادی بیان، حق آزادی اطلاعات و مشارکت و نیز قواعد مالی، وضعیت مالیاتی و شرایط ثبت سازمان‌های غیردولتی را تضمین می‌کند؛

- فضای سیاسی و نهادی موجود در جامعه، یعنی وضعیت صلح و ثبات اجتماعی، احترام به حقوق سیاسی و کیفیت و اقتدار نهادهای حاکمیتی است؛

- ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی که منظور ارزش‌ها و دیدگاه‌های اجتماعی موجود، سطح اعتماد و بردباری عمومی، سطح سواد در جامعه و عوامل اقتصادی چون فقر و نابرابری می‌باشد؛

- ماهیت، شکل و سطح روابط سازمان‌های غیردولتی با دیگر کنش‌گران اجتماعی به ویژه دولت‌ها.

عوامل داخلی عبارتند از:

- توانایی‌های سازمانی و نهادی نظیر آگاهی، مهارت، ساختار، نظام داخلی و منابع مالی؛

- ارزش‌های حاکم بر فعالیت‌های سازمان که منظور تعهد به دموکراسی، شفافیت امور، حساب‌پذیری و باور نظری و عملی به عدم خشونت است؛

- وضعیت تقسیم قدرت، مساعد بودن شرایط عضوپذیری و مشارکت و همکاری در درون تشکیلات و تعامل با دیگر سازمان‌های غیردولتی.

باید توجه داشت به طور معمول ایجاد چارچوب مناسب برای فعالیت مدنی برای بیش تر دولت‌ها چالش ایجاد می‌کند و این چالش در دولت‌های ضعیف و آسیب‌دیده از درگیری عمیق تر است.⁶² چنین کشورهایی اغلب قادر نیستند سیاست‌ها و مقرراتی را که بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی اثر مثبت و تقویت کننده دارند اجرا کنند. علاوه بر آن، شاهد کنترل زیاد و یا مطلق قدرت‌های نوظهور دولتی و یا شورشیان بر تمامی چارچوب‌های حقوقی و نهادین مربوطه هستیم. در مواردی نیز مقررات و قواعد حقوقی غیرعملی و یا بی اعتبارند و یا بدتر از آن، دولت به طور کامل فروپاشیده است.

بنابراین با نگاهی به مشترکات وضعیت سیاسی - اجتماعی کشورها پس از انواع جنگ‌های داخلی و خارجی، می‌بینیم که رشد و بالندگی سازمان‌های غیردولتی و حرکت فعال در مسیر تحکیم صلح امر ساده‌ای نیست. در شرایطی که از یک

61. Functional Perspective.

62. Cheema, G. S; Building Democratic Institutions, Governance Reform in Developing Countries, Kumarian Press, 2005.

طرف کنترل قدرت نه با اکثریت، بلکه در دست معدودی وابسته به یک دسته‌ی خاص است که ممکن است حتی توانایی اعمال قواعد موجود و هدایت نظام امور را هم نداشته باشند و از طرف دیگر با مردمی مواجهیم که از حیث فکری خشن و درصدد درگیری و شاید انتقام و در عین حال مجهز به انواع سلاح‌های کوچک و سبک هستند، نتیجه‌بخشی تلاش‌ها دشوار و پرچالش می‌نمایند.

با توجه به آنچه در این نوشتار آمد، می‌توان ادعا کرد که شکل‌گیری مفهوم امروزی صلح نتیجه‌ی دو واقعیت است که در عین حال با هم در تعامل هستند. یکی از این واقعیت‌ها اهمیت یافتن ارزش‌ها و در راس همه‌ی آن‌ها بشریت است. این موضوع باعث توجه به فرد به عنوان محور تحقق صلح در نظام بین‌المللی و شکل‌گیری مفهوم امنیت انسانی شد. واقعیت دیگر شکل‌گیری حقوق همبستگی و پذیرش حضور بازی‌گرانی غیر از دولت‌ها به عنوان شرکای ضروری برای تحقق این حقوق می‌باشد. این بدان معناست که سازمان‌های غیردولتی امکان یافته‌اند در فرآیند صلح را نقش داشته باشند و می‌توانند به تدریج از مشروعیت ایجاد شده بهره گرفته، سهم بیشتری را به خود اختصاص دهند.

واقعیت انکارناپذیر نظام بین‌المللی مبتنی بر *و ستفالیآ* آن است که در مقابل ظهور و ایفای نقش هر بازی‌گر دیگری، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی واکنش نشان می‌دهند. با وجود این در همین فضای *و ستفالیایی* امکان حضور و تاثیرگذاری برای سازمان‌های غیردولتی فراهم شده است. نکته‌ی قابل توجه تلاش و عملکرد سازمان‌های غیردولتی برای همراهی با ضرورت‌های جامعه‌ی بین‌المللی و بهره‌گیری از حداقل فضای بین‌المللی موجود در جهت مشروعیت‌بخشی به خویش است. به عبارت دیگر بسیار خوشبینانه است اگر تصور شود آنچه تاکنون حاصل شده، نتیجه‌ی فراخوان مشتاقانه‌ی دولت‌ها برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی است. از این رو بحث وجود یا عدم وجود شخصیت حقوقی برای سازمان‌های غیردولتی چندان مفید فایده نیست. سازمان‌های غیردولتی باید از فرصت‌های اندک ایجاد شده بهره گرفته، با تقویت عملکرد و سامان‌دهی اشتغالات خود، مفهوم ضرورت کارکردی را برای برخورداری از اهلیت فعالیت در عرصه‌ی صلح جهت ببخشند. بدین منظور رهنمودهای ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱- تشکیل و تقویت شبکه‌های ارتباطی با هدف تعامل و مشارکت با دیگر سازمان‌های غیردولتی فعال در عرصه‌ی صلح؛ تشکیل این شبکه‌های ارتباطی در ارتقای توانمندی‌ها و تقویت برنامه‌های سازمان‌های غیردولتی بسیار تعیین کننده است. این شبکه‌ها باعث جهت‌بخشی به فعالیت‌ها، تخصصی کردن تلاش‌ها، شناسایی ضرورت‌ها و تثبیت جای‌گاه سازمان‌های غیردولتی در عرصه‌ی بین‌المللی خواهد بود.

۲- شفافیت در تامین مالی برنامه‌ها و ابتکارات؛ نقطه‌ی قوت سازمان‌های غیردولتی استقلال مالی آن‌ها از دولت‌هاست که به آن‌ها امکان و روحیه‌ی رویارویی و ارزیابی عملکرد دولت‌ها را می‌دهد. امروزه حساسیت خاصی نسبت به وضعیت مالی سازمان‌های غیردولتی و چگونگی تامین هزینه‌ی برنامه‌های در دست اقدام آن‌ها ایجاد شده است. در شرایطی که یک سازمان غیردولتی به طور معمول از دولت معینی تامین مالی می‌شود، کارکرد اساسی خود را در انتقال مطالبات جامعه‌ی مدنی از دست می‌دهد. این یکی از انتقاداتی است که همواره بر سازمان‌های غیردولتی وارد شده است. بدیهی است که سازمان‌های غیردولتی با برخورداری از کمک‌های مالی اشخاص، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی، امکان اجرای برنامه‌ها و ابتکارات خویش را می‌یابند، اما کیفیت و مفهوم این کمک‌ها باید روشن باشد.

۳- استقلال از نظام دولتی در ایجاد، برنامه‌ریزی و اجرای ابتکارات؛ سازمان‌های غیردولتی که توسط دولت‌ها ایجاد و مجری برنامه‌های آن‌ها می‌شوند، کم نیستند. در چنین شرایطی دولت‌ها جامعه‌ی مدنی را ابزار تحقق خواسته‌های خود

می‌نمایند. با تحقیقات و اطلاع‌رسانی‌هایی که امروزه صورت می‌گیرد، این نوع سازمان‌ها نمی‌توانند در میان مردم توفیقی حاصل کرده، مقبولیت بیابند. بنابراین تلاش یک سازمان غیردولتی در حفظ این استقلال برای جلب اعتماد عمومی و پیش‌برد برنامه‌ها لازم است. پیش‌شرط چنین وضعیتی استقلال مالی به نحوی است که در بند قبلی گفته شد.

۴- تعامل سازمان‌های غیردولتی با دیگر بازی‌گران نظام بین‌المللی؛ نحوه‌ی تعامل با دیگر بازی‌گران در نظام بین‌المللی برای موفقیت تلاش‌های سازمان‌های غیردولتی ضروری است. سازمان‌های غیردولتی باید بتوانند با حفظ استقلال و کارکرد اساسی خویش، شرکای قابل اعتماد، موثر و توانای دولت‌ها باشند. برای رسیدن به چنین شرایطی تغییر تفکراتی که اقدامات صلح‌آمیز محلی را به صورت خودکار موثر بر تحکیم صلح در سطوح بالا می‌دانند، ضروری است. به عبارت دیگر فعالیت‌های صلح و تحکیم آن، بایستی به ساختار سیاسی و حاکمیتی مرتبط شود. اگر چه در مواردی، حکومت‌ها فاقد اعتبار بوده و فعالان صلح، گریزان از ارتباط مستقیم با دولت یا بازی‌گران سیاسی‌اند، اما در حالت عمومی و با پای‌بندی به ارزش‌ها ایجاد راه‌های ارتباطی و روابط کاری و عملیاتی با مقامات حکومتی در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای بسیار مهم است. در این راستا شناسایی سازمان‌های غیردولتی موفق و الگوبرداری از ساختار سازمانی، نظام عضوگیری و روش‌هایی که آنان برای ایجاد اعتماد مردمی و رفع موانع دولتی به کار گرفته‌اند، مفید به نظر می‌رسد.

۵- همکاری نظام‌مند و تغییر در رویکردهای دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی؛ جامعه‌ی جهانی باید هم به طور عملی، با تغییر جدی در رویکردهای دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی و هم به صورت نظری و در قالب اسناد و قواعد الزام‌آور، محدودیت‌های موجود در مسیر حرکت سازمان‌های غیردولتی را کاهش داده، ظرفیت‌های لازم برای حضور و مشارکت سازمان‌های غیردولتی را در فرآیند صلح فراهم نماید. سازمان‌های غیردولتی، واقعیت نظام بین‌المللی معاصر و بازی‌گران اثرگذار در فرآیند صلح هستند، و از پتانسیل قابل توجهی برای سرعت‌بخشی به صلح و پایداری این آرزوی دیرینه بشری برخوردارند. فرآیندی که رویکردهای جدید آن (حل درگیری و تحکیم صلح پس از درگیری) بدون حضور و همراهی آگاهانه و کارشناسانه‌ی سازمان‌های غیردولتی، دست نیافتنی است. از این‌رو با پذیرش آنان به‌عنوان واقعیت اجتناب‌ناپذیر و در عین حال ضروری و مفید برای تکمیل توان دولت‌ها در تحقق و تکمیل فرآیند صلح، تدوین و تصویب یک کنوانسیون جامع بین‌المللی که در آن ابعاد مرتبط با شناسایی، تعیین حقوق و تکالیف و به تبع آن حساب‌پذیری و ارزیابی فعالیت‌های صورت گرفته در انطباق با حقوق و تکالیف پیش‌بینی شده باشد، ضروری به نظر می‌رسد. در چنین شرایطی ضمن حل مشکلات ساختاری این نهادها، به یقین عرصه‌های مشروع حضور سازمان‌های غیردولتی و پیش‌شرط‌های چنین حضوری، مرتبط با فرآیند صلح نیز تدقیق شده و نظام جامعی برای فعالیت صحیح، موثر و پایدار آن‌ها شکل می‌گیرد.

منابع

الف: فارسی

۱. بطرو بطروس - غالی، «حقوق بین الملل در تکاپوی ارزش های خود: صلح، توسعه، دموکراسی»، ترجمه ی ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ی ۳۶-۳۵، ۱۳۸۱.
۲. بیگ زاده، ابراهیم، «سازمان های غیردولتی و حقوق بین الملل»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ی ۳۲-۳۱، ۱۳۷۹.
۳. بیگ زاده، ابراهیم، «تقریرات درس سازمان های غیردولتی»، دوره ی دکتری حقوق بین الملل، ۱۳۸۶.
۴. عامری، داود، «حق بر مطالبه صلح عادلانه»، در: مجموعه مقالات حق بر صلح عادلانه، به اهتمام نادر ساعد، مجمع جهانی صلح اسلامی، دپارتمان دانشگاهیان، ۱۳۸۹.
۵. فلسفی، هدایت اله، «حقوق بین الملل از اراده مطلق تا عقل و واقعیت، و از عقل و واقعیت تا بشریت»، سالنامه ایرانی حقوق بین الملل و تطبیقی، شماره ی ۲، ۱۳۸۵.
۶. کاسسه، آنتونیو، حقوق بین الملل، ترجمه ی حسین شریفی طرازکوهی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۵.
۷. کانی پک، صلح پایدار، ترجمه ی سهیلا ناصری، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۱.
۸. گلشن پژوه، محمودرضا، «عفو بین الملل و دیده بان حقوق بشر و وضعیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ی ۴، زمستان ۱۳۸۸.

ب: انگلیسی

9. Accord, "Owning the Process, Public Participation in Peace Making," Accord Series, Reconciliation Resources, London, 2002.
10. Anderson, M. B., L. Olson, and K. Doughty, Confronting War: Critical Lessons for Peace Practitioners. Cambridge, MA: The Collaborative for Development Action, 2003.
11. Dupuy, Pierre-Marie & Luisa Vierucci, "A Normative or Pragmatic Definition of NGOs", NGOs in International Law Efficiency in Flexibility, Edward Elgar, 2007.
12. Finnemore, Martha and Kathryn Sikkink, "International Norm Dynamics, and Political Change," International Organization 52, No. 4, (1998).
13. Held, David, Democracy and the Global Order, Cambridge, Polity Press, 1995.
14. Holiday, W. D. Stanley, "Broad Participation, Diffuse Responsibility, Peace Implementation in Guatemala," in: S. J. Stedman, D. Rothchild, and E. Cousens, (eds), Ending Civil Wars, The Implementation of Peace Agreements, Boulder, CO: Lynne Rienner, 2002.
15. James Larry Taulbee and Marion V. Creekmpr, JR, "NGO Mediation: The Carter Center", in: Mitigating Conflict, The Role of NGOs, Henry F. Carey, Oliver P. Richmond, Frank Cass, 2003.
16. Lindblom, Anna-Karin, Non-Governmental Organisations in International Law, Cambridge, Cambridge University

Press, 2005.

17. McGoldrick, Dominik, *The Human Rights Committee: The Role in the Development of the International Covenant on Civil and Political Rights*, Oxford, Clarendon Press, 1994.
18. Mathews, T. Jessica, "Power Shift," *Foreign Affairs* 76, January/ February 1997.
19. Miall Hugh ; Oliver Ramsbotham; Tom Woodhouse, *Contemporary Conflict Resolution*, Cambridge, Polity, 1999.
20. Nowak, Manfred, 'Survey of Decisions Given up Till July' 1986, 7 HRLJ (1986).
21. Orjuela, C; "Civil Society in Civil War, Peace Work and Identity Politics in Sri Lanka," PhD Dissertation, Department of Peace and Development Research, University Göteborg , 2004.
22. Przentacznik, Frank," The Basic Principles of Philosophical and legal Concept of Peace as a Cardinal Human Right" , *The International Review* , No .1 ,(January / April 1997).
23. Richmond, Oliver , "Post Westphalian" Peace Building: The Role of NGOs, available on: http://class.uidaho.edu/martin_archives/conflict_journal/ngo.htm
24. Smite, Jakie, and Pagnuco Ron, " Globalizing Human Right " . *The Work of Transational Human Rights NGOs in the 1990* , *Human Rights Quarterly* . 20, (1998).
25. Simmons, P. J. and Chantal de Jonge Oudraat, (eds), *Managing Global Issues: Lessons Learned* Washington, DC; Carnegie Endowment for International Peace, 2001.
26. Sands, Philippe, "Compliance with International Environmental Obligations: Existing International Legal Arrangements," in: *Improving Compliance with International Environmental Law*, James Cameron; Jacob Werksman, and Peter Roderick , (ed), London, Earthscan, 1996.
27. Sanahuja, Jose Antonio, *La vinculación entre los socorros, la rehabilitación y el desarrollo: más allá del ontinuum humanitario*, Federación Internacional de Sociedades de la Cruz Roja, Mimeo, 1999.
28. Sierra, Katherin & Others, *Civil Society and Peace Building*, Social Developpent Department Sustaiable Dvelopment Network; Document of the World Bank, Report No. 36445-GLB, 2006.
29. Sieder, J. R. Armon, and R. Wilson, *Negotiating Rights. The Guatemalan Peace Process*. London, Conciliation Resources, 1997
30. SIDA Sida's Policy for Civil Society: The Objective of Sida's Cooperation with Civil Society, 2005 . available on: [http:// www.sida.se](http://www.sida.se).
Vanessa, Martin Randin, "Diplomats, Civil Society and Academia: Some Thoughts on the Limits of Discourse," in: *Thinking Outside the Box in Multilateral Disarmament and Arms Control Negotiations*, John Borrie and Vanessa Martin Randin (ed.), Geneva, UNIDIR, 2006.